

افسانه طلاهای ایران

ف. م. جوانشیر

- افسانه طلاهای ایران
- ف. م. جوانشیر (فرج الله میزانی)
- انتشار مجدد: چاوشان نوزایی کبیر
- آدرس:

<http://chawoshan.mihanblog.com>

محافل ضد کمونیستی چندین سال متوالی است که یک نفس فریاد می زنند :

« اتحاد شوروی طلاهای ایران را به مصدق پس نداد . نگاه داشت و به دولت کودتائی زاهدی داد!!»

در این ادعا سر سوزنی حقیقت وجود ندارد . افسانه " طلاهای " ایران یکی از ساخته های تبلیغاتی دوران جنگ سرد است که محافل ارتجاعی و امپریالیستی برای اخلال در مناسبات ایران و شوروی به کار انداختند . اینک ارث آن ها به گروهک های ضد کمونیستی رسیده و متأسفانه ذهن برخی از خوش باوران را نیز مشوّب کرده است . جریان پیدایش و تکامل این افسانه را در زیر توضیح می دهیم :

پیدایش افسانه

نخستین مطلبی که باید یادآوری کرد این است که دولت ایران و به طریق اولی دولت مصدق ، هرگز از اتحاد شوروی طلا نخریده و یا طلائی به رسم امانت به بانک شوروی نسپرده بود. آنچه که " طلاهای ایران " نام گرفته ، بخشی از بدهکاری ریالی اتحاد شوروی به ایران است که در زمان جنگ دوم جهانی و به طور عمده در ارتباط با کرایه استفاده از راه آهن و تأسیسات حمل و نقل ایران به وجود آمد .

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
چنان که می دانیم در جنگ دوم جهانی ، دربار پهلوی ابتدا به طور غیر رسمی ، ولی روشن و مؤثر ،
جانب آلمان فاشیستی را داشت و با آن که در ظاهر مدعی بود که " بی طرف " است ، ایران را به
لأنه جاسوسان آلمانی و یکی از مراکز مهم تبلیغات فاشیستی در خاور میانه بدل کرده بود . با کمک
دربار پهلوی و جاسوسان سرشناس هیتلری – که سرلشکر زاهدی عامل معروف کودتای ۲۸ مرداد
یکی از برجسته ترین آنها بود – ارتش ایران و بخشی از عشایر جنوب آنچنان در اختیار ستاد ارتش
هیتلری قرار گرفته بودند . که برپایه اعتماد به آنها ، نقشه توطئه گرانه هجوم به قفقاز از طریق
ایران تهیه شده بود .

پس از حمله هیتلر به اتحاد شوروی ، ضرورت جنگ ضد فاشیستی و خنثی کردن توطئه های
فاشیسم ایجاب کرد که ارتش های متفقین موقتاً به کشور ما وارد شوند . حضور این ارتش ها در
ایران طبعاً هزینه هایی داشت که قرار شد خود آنها بپردازند . ولی در این میان تنها اتحاد شوروی
بود که واقعاً این هزینه را تا دینار آخر پرداخت و امریکا و انگلستان نه فقط چیزی نپرداختند . بلکه
مبالغ عظیمی نیز از بودجه فقیر ایران را غارت کرده و بردند و شگفت این که کسی برای آنها افسانه
" طلاها " ساخت ، اما آنها ، طبق موازین جنگ سرد ، برای اتحاد شوروی افسانه " طلاها "
درست کردند .

قضیه از اینجا آغاز شد که در اسفند ماه ۱۳۲۱ ، بین دولت ایران و دولت شوروی قراردادی در باره
پرداخت نیازمندی های مالی ارتش سرخ در ایران منعقد شد . به موجب این قرارداد ، اتحاد شوروی
برای رفع نیازمندی های ارتش خود در ایران ، مبلغی به ریال دریافت می کرد و همچنین کرایه

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
حمل محصولات نظامی به مقصد شوروی از طریق راه آن و جاده های ایران به ریال محاسبه می
شد و سپس می بایست ۶۰ درصد از جمع بدهی ریالی شوروی به دولت ایران با طلا و ۴۰ درصد
بقیه به دلار ایالات متحده آمریکا ، به حساب بانک ملی ایران منظور شود ، بهای طلا در نیویورک ،
در تاریخ انعقاد قرارداد (۲۷ اسفند ۱۳۲۱) هر اونس ۳۵ دلار و هر دلار ، موافق نرخ رسمی دولتی
ایران ، ۳۲/۵ ریال بود .

از آنجا که بخش اعظم هزینه ارتش شوروی مربوط به استفاده از تأسیسات راه آهن و جاده ها و
غیره بود و از آنجا که اتحاد شوروی ، ضمن استفاده ، متقابلاً هزینه هایی متحمل می شد ، قاعدتاً
می بایست نمایندگان دو طرف بنشینند و به حسابها رسیدگی کرده ، میزان درست بدهی را تعیین
کنند و ترتیب پرداخت آن را بدهند . اما در عمل چنین نشد . هنوز جنگ ضد هیتلری به پایان
نرسیده بود که امپریالیست ها و عمال آنها " جنگ سرد " را در ایران آغاز کردند . مستشاران
امریکایی ، ژاندارمری و ارتش ایران را به دست گرفتند و وزارت دارایی ایران در دست و با اختیارات
کامل به هیئت مستشاران امریکایی ، به ریاست جاسوس و خرابکار معروف میلیسپو ، سپرده شد که
کمترین علاقه ای به حل و فصل مسائل مالی ایران و شوروی نداشت .

سرکوب خونین جنبش های دمکراتیک و ملی در آذربایجان و کردستان و جنجال عظیم ضد
شوروی که امپریالیسم و ارتجاع در ارتباط با آن به راه انداختند ، عملاً مناسبات ایران و شوروی را
تعطیل کرد . هر گونه مذاکره و حتی تماس جدی و کاربر برای حل مسائل میان دو کشور و از

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
جمله مسائل مالی ، عملاً غیر مقدور شد . و از آنجا که یورش ضد شوروی در ایران جنبه‌ی موضعی
موقت نداشت و جزئی از استراتژی جهانی امپریالیسم بود ، روز به روز دامنه‌ی بیشتری گرفت .
در بهار سال ۱۳۲۶ ، یعنی کمتر از شش ماه پس از سرکوب خونین جنبش آذربایجان و کردستان ،
ترومن ، رئیس جمهور وقت امریکا ، قراردادهایی را که در زمان جنگ ضد فاشیستی مبان امریکا و
شوروی منعقد شده بود ، لغو کرد و سیاست آشکار ضد شوروی پیش گرفت ، که بعدها " دکترین
ترومن " نامیده شد . از همان زمان اصطلاح " جنگ سرد " در رسانه های گروهی بورژوازی پدید
آمد .

محافل امپریالیستی کارشناس " جنگ سرد " به ویژه روی اعمال فشار مالی و اقتصادی به اتحاد
شوروی تکیه می کردند . اتحاد شوروی در طول جنگ میهنی ضد هیتلری ، بیست میلیون تن
کشته داده بود و دهها میلیون تن دیگر از مردم آن علیل ، بیمار و از فرط شدائد جنگ فرسوده
بودند. تمام شهرها و دهات بخش اروپایی شوروی ، یعنی بخش آباد و صنعتی آن زمان ، با خاک
یکسان شده و میلیون ها تن بی خانمان شده بودند ، به صنعت و کشاورزی لطمات سنگین وارد
آمده بود . نیروی کار کافی برای نوسازی وجود نداشت . امپریالیست ها حساب می کردند که اگر در
این موقع دشوار اتحاد شوروی را در محاصره اقتصادی بگذارند و به آن فشار مالی وارد کنند ، موفق
خواهند شد جلوی تجدید حیات سریع اقتصاد سوسیالیستی را بگیرند . از اینجا بود که در سال
۱۹۴۷ (۱۳۲۶) دولت امریکا به طور یکجانبه موافقت نامه امریکا و شوروی مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۵
(۱۳۲۴) را در باره واگذاری اعتبار امریکا به شوروی نقض کرد و در مارس ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) لیست

افسانه طلاهای ایران.....ف. م. جوانشیر
سیاهی انتشار داد که به موجب آن صدور اکثر کالاها به شوروی ممنوع می شد در ۱۹۵۱ (۱۳۳۵)
دولت امریکا هر کشوری را که کالاهای به اصطلاح استراتژیک به شوروی بفروشد ، به قطع اعتبار
و قطع هر گونه کمک تهدید کرد .

در چنین محیطی طبیعی است که اتحاد شوروی برای خنثی کردن " جنگ سرد " و عقیم گذاشتن
توطئه های امپریالیستی بیش از هر وقت دیگر علاقه مند بود که مناسبات خود را با اردوگاه سرمایه
داری و به طریق اولی با همسایگان خود گسترش دهد . اتحاد شوروی که همواره اصل همزیستی
مسالمت آمیز را پایه مناسبات خود با ایران قرار داده بود طبعاً در سال های پس از جنگ در رفع سوء
تماهات و استقرار بهترین مناسبات با ایران ذیعلاقه بود . ولی محافل امپریالیستی و عمال آنها در
ایران علاقه ای به گسترش مناسبات با اتحاد شوروی نشان نمی دادند و برعکس دنبال انواع بهانه
ها می گشتند تا بر وخامت اوضاع بیفزایند . کافی است یادآوری کنیم که مناسبات عادی بازرگانی
میان ایران و شوروی در آن سالها عملاً متوقف شده و حجم بازرگانی دو کشور که در سال ۱۳۲۵ ،
۴۹ میلیون روبل بود ، در سال ۱۳۲۹ به ۵ میلیون ، یعنی به یک دهم رسید . می دانیم که بازرگانی
با اتحاد شوروی برای صدور بخش اعظم کالاهای صادراتی ایران بسیار ضرور بوده و اتحاد شوروی
به ویژه در آن سالها تنها بازار کالاهای صادراتی ایالات شمالی ایران بود . ولی محافل امپریالیستی
و عمال آنها به این گونه مسائل توجهی نداشتند و به رغم منافع مردم ایران از انجام هر گونه معامله
جدی اقتصادی میان دو کشور جلوگیری می کردند و هر گونه نزدیکی احتمالی سیاسی میان دو
کشور را با تمام قوا زیر آتش می گرفتند و می کوشیدند تا بر دشواری ها و اختلافات میان ایران و

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
شوروی هر قدر بتوانند بیفزایند . یکی از موضوع های تبلیغاتی در جنگ سرد ، که محافل
امپریالیستی و عمال آنها در ایران ، در آن سالها ساختند و بر سر آن جنجال به راه انداختند و آن را
سدی بر سر راه گسترش مناسبات دو کشور قرار دادند " طلاهای " ایران بود .
جنجال به ویژه از ۱۳۲۷ اوج گرفت . هیئت حاکمه ایران و بر رأس آن دربار پهلوی ، بنا به اشاره
محافل امپریالیستی و برای شرکت در جنگ سرد ضد شوروی و کمک به سیاست ایراد فشار
اقتصادی به آن کشور ، از یک سو راه انجام هرگونه معامله اقتصادی و مالی میان دو کشور را بست
و بازرگانی دو کشور را عملاً متوقف کرد و از انجام مذاکرات جدی برای تسویه حساب مالی سرباز
زد و از سوی دیگر در شیپور تبلیغاتی دمید که اتحاد شوروی " طلاهای " ایران را پس نمی دهد .
دربار پهلوی حتی به روی خود نمی آورد که این به اصطلاح " طلاها " هزینه ای است که درست
به گناه این دربار و بر اثر همکاری آن با آلمان فاشیستی بر اتحاد شوروی تحمیل شده است . اگر
دربار پهلوی واقعاً بی طرفی ایران را مراعات می کرد و به طریق اولی اگر این دربار حاضر می شد
که حداقل پس از اعلام جنگ دولت ایران به آلمان هیتلری ، سیاست واقعاً ضد فاشیستی دنبال
کند، اصولاً ضرورتی نمی داشت که ارتش شوروی به ایران وارد شود و در نتیجه ، هزینه ای
متحمل گردد . برعکس قاعدتاً جزء کوچکی از بار بسیار سنگین جنگ از دوش شوروی برداشته می
شد .

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر

مبلغ " طلاها "

تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی بر سر " طلاهای " ایران چنان پر سر و صداست که گوئی دار و ندار مردم ایران در این " طلاها " خلاصه می شده و عصاره همه ثروت های طبیعی و محصول کار چندین نسل مردم ایران در این " طلاها " جمع آمده است ! خواننده قطعاً دچار شگفتی خواهد شد اگر بشنود که این جنجال ۳۵ ساله ، جنجالی که ۲۰ سال پس از تسویه حساب نیز تا امروز ادامه دارد ، فقط بر سر مبلغی کمتر از ۱۲ میلیون دلار است !!

موافق ارقامی که اردلان ، رئیس کمیسیون نظارت بر اندوخته اسکناس در مجلس شورای ملی ، در جلسه رسمی مجلس ارائه داد، طلب ایران از شوروی به شرح زیر بود :

« طلا : ۱۱,۱۹۶,۰۷۰/۳ گرم ، از قرار هر گرم ۳۶/۲۹ ریال ، برابر با ۴۰۶,۳۰۶,۸۸۴/۲۰

ریال (برابر : ۱۲,۵۰۳,۲۸۸/۷ دلار) ،

دلار : ۷,۵۷۵,۰۳۸/۱۴ دلار از قرار هر دلار ۳۲/۵ ریال ، برابر با ۲۴۴,۲۹۴,۹۸۰/۳۰ ریال ،

جمع طلب ما : ۶۵۰,۰۰۱,۸۶۴/۵۰ ریال »^۱

از آنجا که هرگز به محاسبات ایران و شوروی رسیدگی نشده بود ، حتی مقامات ایرانی نمی دانستند که دقیقاً چه مبلغی طلبکارند . به همین دلیل ، حتی از طرف محافل رسمی دولتی ارقام متفاوتی منتشر می شد . از جمله " بانک ملی ایران " بلافاصله اظهارات اردلان را تصحیح کرد و سخنگوی آن ، ارقام دیگری به مطبوعات داد.

۱ . مذاکرات مجلس، نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۶ آبان ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف. م. جوانشیر
اطلاعات در این باره نوشت :

" چون ارقامی که دیروز در مجلس شورای ملی در باره مطالبات ایران و شوروی ذکر شده ، با ارقام اصلی وفق نمی دهد ، امروز مخبر ما مصاحبه ای با یک مقام رسمی به عمل آورد . او گفت طبق تلگرافات و اسنادی که از دولت و بانک شوروی به دولت ایران رسیده ، طلب ایران ۸,۶۴۸,۶۱۹ دلار است . همچنین ۱۱,۱۹۶,۰۷۰/۷۰۰۰ گرم طلا ، که معادل با ۱۲,۵۹۸,۶۱۳ دلار است و تماماً متعلق به قسمت نشر اسکناس است و در بانک " ایست بانک مسکو " موجود بوده و حتی بانک مزبور شماره شمش های طلای موجود ! ایران را نیز به دولت و بانک ملی اطلاع داده است ."^۲

وجود اختلاف حساب عجیب نیست ، در هر معامله ای ممکن است اختلاف حساب پدید آید . منتهی دو طرف معامله باید دور از تحریک و دخالت دیگران و با حسن نیت بنشینند و حساب خود را تسویه کنند . در مناسبات پس از جنگ ایران و شوروی درست همین شرط اصلی وجود نداشت . بنا به تصریح روزنامه باختر امروز :

" شوروی ها تا کنون چندین بار موافقت خود را برای مذاکره در مورد اختلافات به منظور تحکیم روابط دوستانه اعلام کرده اند ."^۳

ولی جانب ایران ، بنا به تحریک محافل امپریالیستی ، برای استقبال از روابط دوستانه ایران و شوروی آماده نبود ، لذا مسائل مالی دو کشور سالها و سالها حل نشده ماند .

۲ . روزنامه اطلاعات، ۱۷ آبان ۱۳۲۹.

۳ . باختر امروز، ۲۰ مرداد ۱۳۳۲.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
اما قبل از توضیح چگونگی جریان چندین ساله اختلاف ایران و شوروی بر سر تسویه حساب هزینه
های ارتش شوروی در ایران ، که موجد افسانه طلاها است ، چند نکته دیگر را در باره مبلغ این
هزینه ها باید یادآوری کنیم :

نخست این که جمع طلب ایران از شوروی حدود ۲۰-۱۹ میلیون دلار بوده که حدود ۸-۷ میلیون
دلار آن با ارز و حدود ۱۲ میلیون دلار دیگر با طلا محاسبه می شده است . این مبلغ حتی در
شرایط آن روز بسیار ناچیز تر از آن بود که به جنجالش بیارزد . در آن سالها معاملات سالانه ایران و
امریکا به چندین برابر این مبلغ بالغ می شده و بانک های امریکائی در کار آن بودند که حدود ۲۵۰
میلیون دلار - بیست برابر " طلاهای ایران " در شوروی - وام به سازمان برنامه ایران تحمیل
کنند . اسلحه امریکائی که به ایران فروخته می شد چندین برابر این " طلاها " ارزش داشت و
مستشاران امریکائی در ایران مبالغی حدود ارزش " طلاهای " ایران در شوروی از صندوق دولت
حقوق و مزایا می گرفتند .

دوم اینکه ارتش های امریکا و انگلستان نیز ، که در زمان جنگ در ایران بودند ، هزینه هائی در
ایران داشتند که کمتر از هزینه ارتش شوروی نبود . اما در باره این هزینه ها اصلاً حرفی در میان
نیست و حتی مدافعین دو آتشه " ناسیونالیسم " ایرانی ، که برای " طلاهای " افسانه ای دل و
جگر خود را سی سال است کباب کرده اند ، حرفی از آن نمی زنند و اصلاً خبر ندارند که این هزینه
ها چقدر بوده و آیا پرداخت شده است یا نه . در واقع نیز کسی از این هزینه ها و طرز پرداخت آنها
خبر درستی ندارد . این مسائل در پشت پرده " حل " شد . قاعدتاً باید روزی از بایگانی دولتی ،

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
اسناد آن را در آورد. مقامات ایرانی در این باره حتی به وکلای مجلس اطلاعی نمی دادند از جمله
یکی از وکلای مجلس سؤال رسمی زیر را از دولت وقت کرد:

" (۱) امریکائیان که بدون قرارداد وارد ایران شدند آیا برای استفاده از تأسیسات ایران و به خصوص
راه آهن چیزی به ما داده اند یا نه؟

(۲) تا کنون چه مبلغی هزینه مستشاران امریکائی شده و فعلاً چه مبلغی پرداخت می شود؟ " ^۴
به این پرسش پاسخ داده نشده. ولی آنچه ما توانسته ایم از اخبار روزنامه ها و محافل رسمی دولتی
به دست آوریم حاکی از این است که امریکائیان، با کمک هیئت میلیسیو، حساب های دوران
جنگ را ماستمالی کردند و نه تنها چیزی به ایران نپرداختند، بلکه با تحمیل کالاهای بنجل و آهن
قراضه هائی که در ایران داشتند، مبالغ عظیمی نیز از کیسه مردم ایران بیرون کشیدند. در سال
۱۳۲۶، یعنی زمانی که امپریالیست ها و ارتجاع ایران عمداً افسانه طلاهای ایران را می ساختند
مقامات امریکائی در تهران با جار و جنجال فراوان اعلام داشتند که گویا همه بدهی خود را به دولت
ایران پرداخته اند.

۱۱ خرداد ماه ۱۳۲۶، یک هیئت پر جبروت امریکائی مرکب از سفیر امریکا و یک سرهنگ و سایر
مقامات امریکائی به راه آهن دولتی ایران رفتند و یک چک ۱۴ میلیون ریالی (حدود ۴۰۰ هزار
دلار!!) را با تشریفات پر طمطراق به مدیر کل راه آهن دادند و اعلام کردند که به این ترتیب امریکا
دیگر چیزی به ایران بدهکار نیست، ولی به خاطر هزینه هائی که ارتش امریکا برای تعمیر و نگاه

۴. سؤال عبدالصاحب صفایی از دولت رزو آرا، نقل از روزنامه اطلاعات، ۲۳ مهر ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف. م. جوانشیر
داری تأسیسات راه آهن ایران در زمان جنگ متحمل شده ، جانب ایران مبالغی به امریکا بدهکار
است که دولت امریکا حق خود را برای مطالبه آن حفظ می کند .^۵ در همان زمان کارگران و
کارمندان راه آهن ایران اسنادی ارائه دادند مبنی بر این که ارتش امریکا هنگام خروج از ایران ۱۲
میلیون دلار بابت اسباب کهنه های خود که در راه آهن داشته ، از دولت ایران گرفته است .^۶
به این ترتیب ارتش امریکا درست به اندازه تمام طلاهای ادعائی ایران در بانک مسکو فقط بابت
آهن قراضه های خود از دولت ایران گرفت و برد و صدای " قهرمانان " دفاع از منافع ملی ایران در
نیامد .

و اما انگلیسی ها نیز که هزینه های زیاد داشتند و می بایست به دولت ایران آنها را می پرداختند به
دست جاسوسانی که در دولت ایران داشتند ، عملاً از پرداخت آن معاف شدند و در عوض مبالغ
کلان و قابل توجهی نیز غارت کردند . بنا به اطلاعاتی که روزنامه باختر امروز ، در زمان مصدق ،
یعنی وقتی که مدیر این روزنامه وزیر خارجه ایران و لذا فرد مطلعی بود ، انتشار داد :

" انگلیسی ها علاوه بر سایر مداخلات در امور ایران ، با تحمیل حکومت هژیر ، کلیه مطالبات ایران
را از دولت انگلیس بابت کرایه محمولات آنها به سه - چهار میلیون لیره (حدود ۱۴-۱۲ میلیون
دلار - جوانشیر) . تقلیل دادند و در عوض " فشنگ " های خراب به ایران فروختند و بعداً به
وسیله عمال خویش قسمت اعظم آنها را در شیراز آتش زدند . " ^۷

۵ . روزنامه مردم، ۱۳ خرداد ۱۳۲۶.

۶ . همانجا.

۷ . روزنامه باختر امروز، ۱۸ تیر ماه ۱۳۳۲.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
چنان که ملاحظه می کنید ، نه انگلیس و نه امریکا ، بابت هزینه ارتش خود در ایران ، حتی یک گرم طلا ندادند ، در عوض اسباب قراضه ها ، مهمات از کار افتاده جنگی و غیره تحویل دادند که اگر می خواستند آنها را از بیرون ببرند ، هزینه حمل آنها به مراتب بیش از ارزششان می شد و صرف نمی کرد و لذا قاعدتاً می بایست آنها را رها کنند و بروند ، ولی رها نکردند و آنها را به جای طلا به دولت ایران قالب کردند و سپس آتش زدند .

نکته سوم که یادآوری آن بسیار اهمیت دارد این است که هم امریکائیان و هم انگلیسی ها در زمان جنگ از طریق غارت منابع ثروت ایران ، تجارت نابرابر و حقه بازی های مالی و به دست مستشاران و عمال خود ، دهها برابر هزینه ای که داشتند ، سود بردند . کافی است یادآوری کنیم که شرکت نفت انگلیس و ایران طی چهار سال جنگ - از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ - علاوه بر نفت که از چاههای ایران غارت می کرد ، تنها از طریق کاهش ارزش ریال نسبت به لیره انگلیس ، حدود ۸۰ میلیون دلار (۷-۸ برابر " طلاهای " ایران در شوروی !!) کلاه بر سر دولت ایران گذاشت ، یعنی به جای اینکه برای تأمین هزینه های ریالی خود ۴۱ میلیون لیره تسعیر کند ، ۲۱/۴ میلیون لیره تسعیر کرد.^۸ اگر اختلاف این دو رقم را با بهای آن روز به طلا تسعیر کنیم ، حدود ۷۰ تن طلا میشود . جاسوسانی مانند هژیر ، به رغم این کلاه برداری ها ، به شرکت سابق نفت سند مفاصا حساب دادند ، ولی حاضر به مذاکره و تسویه حساب با شوروی نشده و افسانه طلاها را ساختند که هنوز هم وارثین " انقلابی " هژیرها ، این افسانه را نشخوار می کنند .

۸ . احمد شکوهی زاده ، بررسی اقتصادی علل و آثار تنزل اسمی ارزش ریال ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۳ ، ص ۶۱ .

نظری به سیر چندین ساله اختلافات مالی ایران و شوروی

چنان که گفتیم ، اتحاد شوروی ، هم به دلیل اینکه همزیستی مسالمت آمیز ، سنگ پایه مناسبات آن ، با جهان سرمایه است و هم به دلیل اینکه می بایست تهاجم " جنگ سرد " را در هم بشکند ، علاقه مند بود که همه اختلافات خود را با دولت ایران - و از جمله اختلافات مالی را - به سرعت حل کند و مناسبات دو کشور را گسترش دهد . مبلغ مطالبات ایران از شوروی و یا به اصطلاح " طلاها " نیز به هیچ وجه رقم قابل ملاحظه ای نبود . اتحاد شوروی در روزهای سخت جنگ ، زمانی که مردم شوروی خود در شرایط بسیار دشواری می زیستند ، ۲۵ هزار تن گندم به رایگان ، به ایران هدیه کرد تا به رفع قحطی در تهران کمک شود ^۹ . حجم مبادلات بازرگانی ایران و شوروی در حالت عادی می توانست چندین برابر ارزش این " طلاها " باشد . به همین دلیل جانب شوروی همواره برای رفع اختلافات میان دو کشور در همه زمینه ها آمادگی نشان می داد ، ولی هیئت حاکمه ایران و اربابان امپریالیستی اش به تشدید اختلافات ذی‌علاقه بودند و جز اینکه یک نفس از " طلاهای " ایران سخن بگویند ، کار دیگری برای حل دشواری انجام نمی دادند . به علاوه تضاد امریکا و انگلیس از یک سو و تضاد شدید میان مردم و دستگاه حاکمه از سوی دیگر سبب شده بود که در سالهای پس از جنگ دوم ، دولت های ایران وضع ثابتی نداشته باشند عمر کابینه ها با ماه و هفته شماره می شد و هر نخست وزیری که بر سر کار می آمد ابتداء می بایست مشغول مسائل داخلی دولت خود باشد و در مناسبات با شوروی دست از پا خطا نکند .

۹ . سید مهدی شفاء الدین ، اقتصاد غله و نان در ایران ، انتشارات دانشکده اقتصاد ، دانشگاه تهران ، ۱۳۵۰ ، ص ۷۳-۷۲ .

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
این وضع تا سال ۱۳۲۹ ادامه یافت. در این زمان، به دلیل قطع بازرگانی میان ایران و شوروی،
وضع ایالات شمالی کشور که کالاهای خود را به شوروی صادر می کردند بسیار بد شد و بهای
کالاهای مصرفی نظیر قند و شکر و قماش، که قبلاً از شوروی وارد می شد و اینک راه آن بسته
شده بود، بالا رفت و عدم رضایت عمومی تشدید گردید.

حکومت رزم آرا، که در ۱۳۲۹ بر سر کار آمد، برای رفع عدم رضایت عمومی، حاضر شد مناسبات
عادی بازرگانی با اتحاد شوروی برقرار نماید و اختلافات میان دو طرف و از جمله اختلافات مالی را
رفع کند. اتحاد شوروی بلافاصله موافقت خود را اعلام کرد. طی مذاکراتی که انجام گرفت قرار
شد ضمیمه ای به قرارداد بازرگانی ایران و شوروی، که در ۱۳۱۹ - زمان رضاشاه!!- منعقد شده و
مدت آن به سر رسیده بود، علاوه شود تا بازرگانی دو کشور از این بن بست بیرون آید. در آن
زمان میان دو کشور، علاوه بر مسائل مالی، بر سر مرزها، و در مسئله سربازان ایرانی که خط
مرزی را نقض کرده و زندانی شده بودند و غیره اختلافاتی وجود داشت. اتحاد شوروی آمادگی خود
را برای رفع همه آنها اعلام کرد. به گفته رزم آرا در مجلس:

" زندانسان در عرض ۲۴ ساعت آزاد شدند، راجع به مرزها در ۲۵ اکتبر (ده روز دیگر) کمیسیون
دولت شوروی در آستارا حاضر است، راجع به طلاها، اصل حساب بنا به قرارداد ۱۷ مارس ۱۹۴۳
پذیرفته شده است و راجع به محاسبات مختصری که موجود است، کمیسیونی قرار است تشکیل
شود...مذاکرات برای اصل قرارداد بازرگانی ۱۳۱۹ آغاز شده و ادامه دارد مذاکرات برای صد میلیون
تومان است (بیش از ۳۰ میلیون دلار - حدود سه برابر " طلاها " - جوانشیر .) که البته گشایشی

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
برای شهرستان های شمالی است . وضع در شمال خوب نیست . در آذربایجان ، وضع ۶۰۰ قریه
بسیار بد بود ...^{۱۰}

کمیسیون برای حل اختلافات مالی قریب یک سال مشغول به کار بود ، ولی نتیجه نداد! چرا؟ عمال
امپریالیسم امریکا به طور آشکار در مناسبات ایران و شوروی دخالت می کردند و مقامات ایرانی را
علناً از حل مسئله بر حذر می داشتند و مایل نبودند در زمانی که آنها با چنان شدتی " جنگ سرد "
را دامن می زنند و در مناسبات شوروی با همه کشورهای اخلاص می کنند ، در جای حساسی مثل
ایران همزیستی مسالمت آمیز موفقیتی کسب کند .

تحریکاتی که امپریالیست ها و عمال آنها برای عقیم گذاشتن مذاکرات ایران و شوروی می کردند
به طور عمده پشت پرده بود و باز هم باید منتظر انتشار بایگانی دولت ایران شد تا تمام حقیقت
کشف شود ، ولی آنچه هم که در روزنامه ها انتشار می یافت برای راه بردن به حقیقت کافی است .
روزنامه داد نوشت :

" سفیر شوروی از بحث در جزئیات قرارداد اظهار خستگی کرده و گفته است تحریکات دول خارجی
مانع است ...^{۱۱}

" مطلعین می گویند که علت تأخیر امضای قرارداد شوروی و ایران خواهش سفیر امریکا است که
گفته است تا دادن وام صبر شود ...^{۱۲}

۱۰ . سخنرانی رزم آرا در مجلس، نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۸ مهر ماه ۱۳۲۹.

۱۱ . روزنامه داد، ۲۳ مهر ماه ۱۳۲۹.

۱۲ . روزنامه داد، ۵ مهر ماه ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
در اینجا مناسب است که چند کلمه ای هم در باره " وام " و " کمک " امریکا ، که به خاطر آن مذاکرات میان ایران و شوروی معوق ماند ، سخن بگوئیم . در سالهای پس از جنگ ، امپریالیسم امریکا به عنوان " ناجی ملت ها " و " دوست مردم ایران " وارد میدان شده بود و می کوشید به بهانه واگذاری وام ، امور اقتصادی ایران را به دست گیرد ، صنعت و کشاورزی را ورشکست نموده و تابع انحصارات امریکائی نماید - که پس از ۲۸ مرداد کاملاً موفق شد . در زمان رزم آرا صحبت از این بود که امریکا می خواهد ۵۰ میلیون دلار ، ۱۰۰ میلیون دلار ، ۲۵۰ میلیون دلار و غیره و غیره... به ایران وام دهد . هر روز وعده وام داده می شد و واگذاری خود وام موکول به شرایطی بود ، از جمله دشمنی با اتحاد شوروی و شرکت در جنگ سرد ضد شوروی ، پذیرش اصل چهارم ترومن ، تضمین سرمایه های امریکائی و غیره ...

گسترش مناسبات ایران و شوروی برای سیاست امپریالیستی امریکا زیان بخش بود . ایران در ارتباط با شوروی می توانست بدون دریافت وام از خارج ، اقتصاد خود را رو به راه کند . لذا امریکائیان با مذاکرات ایران و شوروی به شدت مخالف بودند و رزم آرا ، که خود عامل امپریالیسم بود ، این مذاکرات را فقط در حدود یک بازی سیاسی ، برای راضی کردن مردم ، اغتنام فرصت ، تشویق امریکا به واگذاری وام بیشتر و بالاخره عقب انداختن حل مسئله نفت - که به مهم ترین مسئله روز بدل می شد - دنبال می کرد . روزنامه داد نوشت :

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
" قرار بود قرارداد ایران و شوروی امضاء شود . اما نشد . می گویند دولت یک سیاست بازی می کند
بین دو قطب واشتگتن و لندن و مایل نیست که قبل از دریافت وام از امریکا ، قرار داد را امضاء
کند." ۱۳

بالاخره در مهر ماه ۱۳۲۹ مذاکرات ایران و شوروی قطع شد و رزم آرا نخست وزیر این موضوع را
در برابر نمایندگان اکثریت مجلس به شرح زیر توجیه کرد :

" در مورد مذاکرات با شوروی ها و انعقاد قرارداد ، به عقیده من به همان اندازه که انعقاد آن منافی
در بر دارد ، اگر تعجیل شود ، به همین اندازه زیان بخش خواهد بود (!) دولت برای جلب سرمایه
های خارجی لایحه ای به مجلس تقدیم می کند ... و اما کمک امریکا ... مبلغ وام کم است ، زیرا
وام دهنده می خواهد بداند که چگونه مصرف می کنیم ." ۱۴

توجه می کنید ؟ تعجیل در انعقاد قرارداد زیان بخش است ! کسی که اینگونه مطالب را جدا از متن
حوادث بخواند ، شاید باور نکند که تمام این بحث ها بر سر ادامه قرارداد تجارتي بین دو کشور
همسایه و تسویه حساب مالی است و این قرارداد تجارتي در زمان رضاشاه ضد شوروی و هوادار
آلمان هیتلری منعقد شده و به هیچ وجه همه امکانات گسترش مناسبات اقتصادی میان دو کشور را
در بر نمی گیرد و به مراتب کمتر از نیاز اقتصاد ایران است . با این حال ، این همه جنجال و
مخالفت و دخالت سفیر امریکا و غیره و غیره در آن وارد می شود . دولت ایران نمی خواهد تسویه
حساب کند و پولش را از کشور دیگر بگیرد زیرا موظف است نیازمند دریافت وام از امریکا باشد !

۱۳ . روزنامه داد، سوم مهر ماه ۱۳۲۹.

۱۴ . روزنامه داد، ۲۴ مهر ماه ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف. م. جوانشیر
طی این ماه های طولانی که مذاکره ایران و شوروی بر سر قرارداد بازرگانی خرید و فروش پنبه و پشم و شکر و امثال آن جریان داشت و تسویه حساب مالی طرفین هر روز عقب می افتاد ، قرارداد های بازرگانی ایران با کشورهای سرمایه داری یکی پس از دیگری بی سرو صدا منعقد و قرارداد مالی و پولی با این کشورها به آسانی امضاء میشد . در مهر ماه ۱۳۲۹ قرارداد پولی و مالی با انگلستان بدون توجه به اینکه ریال ایران وابسته به لیره ضعیف انگلیس بود و هر سال زیان می داد، تمدید شد و دولت ایران موظف شد در معاملات خود گروه استرلینگ را مقدم بشناسد .^{۱۵} در مرداد ماه ۱۳۲۹ درهای گمرکی کشور شکست و ورود کلیه اجناس خارجی بدون رعایت سهمیه آزاد شد.^{۱۶} در ۱۷ مهر ماه ۱۳۲۹ قرارداد ایران و آلمان غربی به امضاء رسید .^{۱۷} و قرارداد بازرگانی ایران و فرانسه در مجلس تصویب شد^{۱۸} و غیره . یادآوری کنیم که حجم قرارداد ایران و آلمان غربی ۵۲ میلیون دلار (بیش از یک برابر و نیم بازرگانی ایران و شوروی) بود . به علاوه دولت آلمان غربی تنها وارث آلمان قبل از جنگ نبود و قاعدتاً می بایست دولت ایران با آلمان دمکراتیک هم وارد مذاکره اقتصادی و مالی شود ، ولی در آن زمان ، این گونه مطالب را ارتجاع ایران و امپریالیست های حامی آن به آسانی آب خوردن و بی سر و صدا حل می کردند . آنچه می ماند و افسانه می شد ، مناسبات عادی ایران و شوروی و " طلاهای " ایران بود .

۱۵ . روزنامه اطلاعات، ۱۲ مرداد ۱۳۲۹.

۱۶ . روزنامه اطلاعات، ۱۶ مهر ۱۳۲۹.

۱۷ . روزنامه اطلاعات، ۱۷ مهر ۱۳۲۹.

۱۸ . روزنامه اطلاعات، ۱۶ آذر ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
بالاخره در آذر ماه ۱۳۲۹ ، پس از اینکه دولت ایران به عنوان نخستین دولت جهان اصل چهارم
ترومن را پذیرفت و دهها جاسوس امریکا را زیر نام کارشناس به کشور ما راه داد ، پس از آنکه
لایحه جلب سرمایه های خارجی را به مجلس برد و درهای گمرکی کشور را شکست و هزار
گذشت به امپریالیست ها کرد ، تازه جرأت یافت که قرارداد بازرگانی ایران و شوروی را برای خرید و
فروش کالاهائی مثل پشم و پنبه و کشمش تمدید کند . با این حال همین امر نیز مورد مؤاخذه
محافل امپریالیستی قرار گرفت ! مفسر سیاسی خبر گزاری یونایتدپرس نوشت :

" دولت رزم آرا اخیراً تحت فشار سختی بوده و در نتیجه احساس کرد که نمی تواند با مقامات
شوروی وارد مبارزه سیاسی شود و بالاخره مجبور شده است با مقامات شوروی برای تمدید قرارداد
بازرگانی ۱۹۴۰ که در سال ۱۹۴۶ بی اثر شده بود وارد مذاکره شود . محافل مطلع می گویند که
موافقت نامه جدید بازرگانی نتیجه موفقیت عمال شوروی و همکاران آنها در ایران بوده که نه تنها
سبب تغییر افکار عامه در ایران شده اند بلکه در کشور عراق نیز مؤثر واقع شده است ... محافل
امریکائی می گویند که هر گونه کمک به ایران مساعی بیهوده خواهد بود ."^{۱۹}

جل الخالق ! زنده کردن نسبی یک قرارداد عادی بازرگانی منعقد در زمان رضاشاه ضد کمونیست ،
که به هیچ وجه پاسخگوی نیاز دو کشور همسایه برای گسترش همکاری اقتصادی نیست " موفقیت
عمال شوروی " تلقی می شود !! حضرات در واقع خواستار قطع رابطه ایران و شوروی هستند و با
همه وسایل ، از جمله قطع " کمک " می کوشند تا نظر خود را تحمیل کنند .

۱۹ . روزنامه اطلاعات، ۲۳ آذر ماه ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
در باره " فشار سختی " که به عقیده مفسر امریکائی به رزم آرا وارد شده ، باید تکرار کنیم که این
به اصطلاح فشار قبل از همه از وضع اقتصادی کشور ما ناشی می شد، که بر اثر قطع بازرگانی با
شوروی دچار دشواری های فراوان شده بود ، بازرگانی از رونق افتاده و بهای کالاهای مصرفی ، که
قبلاً از شوروی می آمد و اینک وابسته به بازار غرب بود ، بسیار گران تر شده بود .

بنا به گزارش " بانک ملی ایران " ، تنها آغاز گسترش بازرگانی میان ایران و شوروی بازار
شهرستان ها را رونق داد، بهای کالاهای صادراتی ایران را بالا برد و در عوض بهای بسیاری از
کالاهای مصرفی را پائین آورد . در این گزارش می خوانیم :

" بازار شهرستان ها در مهر ماه با رونق بود . بازار کالاهای صادراتی به ویژه بر اثر انعقاد قرارداد
بازرگانی با دولت شوروی و بالا رفتن میزان تقاضای مواد خام در کشورهای دیگر مرتباً در ترقی
بود. بازار کالاهای وارداتی وضع متغیر داشت . به علت انتظار ورود اجناس شوروی که از یک طرف
ممکن بود قیمت ها را تنزل دهد و از طرف دیگر به علت گرانی بازار بین المللی قسمت کالاهائی
که در قرارداد یا شوروی نام برده نشده دائماً در ترقی بود . " ۲۰

چنین بود جریان نخستین مذاکرات ایران و شوروی پس از جنگ ، برای حل و فصل اختلافات و
گسترش مناسبات ، که شوروی ها با چنان علاقه ای از آن استقبال کردند ، ولی سرانجام فقط به
انعقاد قرارداد ، پشم و پنبه محدود شد . هیئت نمایندگی ویژه بانک دولتی شوروی که به ریاست
معاون بانک مزبور به ایران آمده و در ۱۶ آذر ماه ۱۳۲۹ همراه سفیر شوروی سادچیکف از نخست

۲۰ . مجله بانک ملی ایران، شماره ۱۰۸، اسفند ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
وزیر ایران دیدن کرده بود تا ترتیب تصفیه امور مالی را بدهد ، پس از مدتی سرگردانی دست خالی
به کشورش بازگشت ، زیرا : " امریکائیان می خواهند روابط ایران و شوروی در ابهام بماند . " ۲۱

آغاز شرکت محافل خرابکار انقلابی نما در افسانه طلاها

خواننده خالی ذهنی ، که به حد کافی به شگردهای تبلیغاتی امپریالیستی و عمال رنگارنگ آن آشنا
نباشد ، شاید نتواند در لحظه اول باور کند که درست همان کسانی که بعدها این دروغ را که "
شوروی طلاها را به مصدق نداد و به زاهدی داد" ، ساختند ، در آغاز کار مخالف آن بودند که مسائل
ایران و شوروی حل شود و از آنجمله اختلافات مالی طرفین تصفیه گردد . اما برای مبارزینی که
این موجودات " انقلابی " را می شناسند و به درجه وقاحت و ریا کاری آنها پی برده اند اطلاع از
روش آنها تازگی نخواهد داشت ، فقط خبر تازه ای خواهد بود .

باری ، وقتی چهار سال پس از جنگ دوم جهانی ، برای نخستین بار مذاکرات ایران و شوروی برای
حل و فصل مسائل فیما بین آغاز شد و امپریالیست های امریکائی آشکارا با آن مخالفت کردند ،
گروه بقائی - خلیل ملکی هم که آن زمان خود را در صفوف جبهه ملی و طرفداران مصدق جا زده
بودند ، با این مذاکرات به دشمنی برخاستند و با دروغ و دغل و جنجال کوشیدند تا افکار مردم ساده
را مشوب سازند و چنین وانمود کنند که گویا مسئله بر سر مناسبات بازرگانی و حل و فصل
اختلافات مالی نیست بلکه بر سر " امتیازات استعماری " است که می خواهند به شوروی بدهند !!

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
خیانت پیشه ای چون بقائی که به قول دکتر مصدق دستش تا مرفق به خون مبارزان ضد
امپریالیستی آغشته است آن زمان وکیل مجلس ، عضو جبهه ملی و در ظاهر مبارز ضد استعمار بود.
او در عین حال که شب ها با مأموران سفارت امریکا به خلوت می نشست^{۲۲} ، روزها لباس سرخ
غضب می پوشید و از تریبون مجلس یا با کمک خلیل ملکی ها در روزنامه شاهد به پخش دروغ و
پلیدی می پرداخت و در این تلاش بود که نگذارد مذاکرات ایران و شوروی به نتیجه برسد .

با کمال تأسف تلاش امثال بقائی ها بی نتیجه نبود . برعکس از آنجائی که در سیاست جبهه ملی
آن روز عدم درک ماهیت امپریالیسم امریکا و امید دوستی با آن نقش بسیار مهمی ایفا می کرد ،
کوشش های بقائی مؤثر افتاد و عده ای از رهبران جبهه ملی و حتی شخص دکتر مصدق باور
کردند که گویا بر سر واگذاری امتیاز به شوروی مذاکره می شود . مصدق با طناب پوسیده این گونه
عناصر به چاه افتاد و در جلسه مجلس در سخنرانی قبل از دستور گفت :

" مطالبی دارم که مهم است . مذاکرات ایران و شوروی را می گویم . شنیده ام که امتیازاتی در
شمال به شوروی داده شده است . این تقسیم ایران به مناطق نفوذ است"^{۲۳}

سخنان دکتر مصدق با عکس العمل شدیدی در میان مردم و از جمله در محافل ملی اقتصادی
روبرو شد . این محافل با پوست و گوشت خود احساس می کردند که گسترش مناسبات با شوروی
به سود اقتصاد ملی ایران است و درست خود آنها بودند که رزم آرا را وادار کردند مذاکره با شوروی

۲۲ . خبر های این شب نشینی ها از طرف برخی از شرکت کنندگان آن ها منتشر شده و از جمله احمد ملکی - مدیر روزنامه ستاره - یکی از
کسانی که خود در جلسات حضور داشته، خاطرات خود را منتشر کرده است.

۲۳ . جریان مذاکرات مجلس، روزنامه داد، ۳۱ شهریور ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
را آغاز کند. آنها می دانستند و می دیدند که امپریالیسم امریکا، به قصد اسیر کردن ایران و زیان
زدن به اقتصاد آن، در مذاکرات عادی ایران و شوروی اخلاص می کند. در چنین وضعی سخنان
مصدق، آن هم به استناد "شنیده ام" معنای بدی می داد. عده ای از دوستان مصدق به او
فهماندند که صحبت از "امتیاز" مسخره است و این حرف ها را خرابکارانی چون بقائی به دستور
امریکائیان برای مسموم کردن محیط ساخته اند. مصدق لازم دید در جلسه بعدی مجلس از نو
سخنرانی کند و حرف جلسه قبل را پس بگیرد. تا آنجائی که نگارنده از فعالیت سیاسی بیش از نیم
قرنی مصدق خبر دارد، این نخستین و آخرین باری است که مصدق حرفی را که زده، پس گرفته
است. مصدق در مجلس گفت:

"در جلسه قبل راجع به قراردادی که با دولت شوروی می خواهند منعقد کنند نظریاتی ابراز داشتم.
ولی اطلاع کاملی نداشتم. زیرا به طوری که می گویند دولت شوروی می خواهد قراردادی منعقد
کند... ولی دیشب یکی از آقایان نمایندگان محترم به بنده توضیح داد. معلوم شد قرارداد تجارتي
دولت شوروی مدتش منقضی نشده و می خواهند روی آن کنترات هائی تعیین کنند. جمعی می
گفتند چه شده است که مصدق با قرارداد، با این کنترات هائی (چون واقعاً نمی دانستم که کنترات
تعیین می کنند) مخالفت می کند. این است که لازم دیدم عرض کنم که من شخصاً و همکاران
عزیزم نمایندگان جبهه ملی بسیار مشتاق هستیم که قرارداد جدید با دولت شوروی منعقد و در
مجلس تصویب شود." ۲۴

۲۴. مذاکرات مجلس، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳ مهر ۱۳۲۹.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
جبهه ملی در این باره رسماً اعلامیه داد و دبیر آن ، حسین مکی ، اعلامیه را در مجلس خواند ولی
به هر صورت این واقعه که نشانه وجود بار ضد شوروی در محافل جبهه ملی و آمادگی آنها برای
پذیرش افسانه های تبلیغاتی ضد شوروی - حتی قبل از اطلاع از کم و کیف مسائل - بود ، در
مناسبات بعدی درون جنبش اثر گذاشت .

جناح خرابکار جبهه ملی ، که بقائی و خلیل ملکی در رأس آن بودند ، به رغم تصمیم شورای جبهه ،
مخالفت خود را با مذاکرات عادی ایران و شوروی و حل و فصل مسائل مالی بین دو کشور همچنان
ادامه داد .

افسانه طلاها در زمان مصدق

زمستان ۱۳۲۹ ، جنبش ملی شدن نفت اوج گرفت . نبرد عمومی خلق علیه حکومت رزم آرا دامنه
گسترده ای می یافت که وی کشته شد .

به جای او علا نخست وزیر شد که فقط دو ماهی دوام آورد . بر روی امواج جنبش خلق ، دولت
مصدق بر سر کار آمد ، ولی نتوانست تمام قدرت حاکمه را به دست گیرد . نه فقط شاه به عنوان
مرکز اصلی قدرت و فرمانده نیروهای مسلح باقی ماند ، بلکه حتی در کابینه مصدق ، پست های
حساسی به عناصر ضد ملی واگذار شد . مثلاً سر لشگر زاهدی مقام وزارت کشور را اشغال کرد .

دولت مصدق با چنین ترکیبی در آغاز کار ، نه قادر و نه مایل بود که اختلافات ایران و شوروی را به
سرعت حل کند . وظیفه اصلی که این دولت به دوش داشت عبارت بود از اجرای قانون ملی شدن

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
نفت ، که شخص مصدق و همه رهبری جبهه ملی موفقیت در این امر را در گروهی جلب دوستی
امریکا می دانستند و با حساسیتی که امپریالیسم امریکا در باره مناسبات ایران و شوروی نشان می
داد، جرات نمی کردند که در این جهت گامی بردارند . آنها به حفظ رابطه موجود بازرگانی اکتفا
کردند که به نوبه خویش ، نقش مؤثری در تحکیم پایه های اقتصاد ملی ایران داشت .

این وضع تا اواخر سال ۱۳۳۱ ادامه داشت . در این زمان توطئه گری امپریالیسم امریکا علیه
حکومت مصدق به طور کامل آشکار شد . در نهم اسفند ۱۳۳۱ کودتائی تدارک و اجراء شد که
دخالت مستقیم سفارت امریکا و مستشاران امریکائی در آن روشن تر از آفتاب بود . این کودتا
خوشبختانه شکست خورد، سرلشگر زاهدی و جناح راست و خرابکار جبهه ملی از نوع دکتر بقائی
آشکارا به سنگر دشمن پیوستند و در دزدیدن و قتل افشار طوس (رئیس شهربانی دولت مصدق)
شرکت کردند . در این زمان ، مصدق ، به اشتباه بودن استراتژی ملی کردن نفت با جلب حمایت
امریکا تا حدودی پی برد (اگر چه تا پایان حکومت به طور کامل از آن دست نکشید) و آمادگی
بیشتری برای بهبود مناسبات با شوروی نشان داد .

در این زمان ، در رهبری اتحاد شوروی نیز تغییرات معینی به وقوع پیوست و پس از درگذشت
استالین ، رهبری جدید سیاست همزیستی مسالمت آمیز را بطور فعال تری به موقع اجرا گذاشت .
از جمله در مورد ایران ، برخلاف آنچه محافل خرابکار می گویند ، رهبران شوروی درست در زمان
مصدق بود که برای رفع و حل اختلافات مالی خود با ایران پیشقدم شدند و آمادگی خود را برای

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
واگذاری طلاها به دولت مصدق اعلام داشتند. نخست وزیر وقت شوروی، در شورای عالی اتحاد
شوروی گفت:

" شوروی نسبت به کشورهای همسایه ادعای ارضی ندارد. احترام به آزادی و حاکمیت ملل دیگر،
اعم از بزرگ و کوچک، یکی از اصول تغییر ناپذیر سیاست شوروی است. دولت شوروی برای حل
اختلافات مرزی و مالی خود با ایران پیشقدم شده است." ^{۲۵}

اتحاد شوروی برای تسریع در بهبود مناسبات میان دو کشور، سفیر خود را در تهران تغییر داد و به
جای او سفیر تازه ای با رهنمودهای جدید روانه ایران کرد. سفیر سابق شوروی قبل از عزیمت از
ایران، با وزارت خارجه ایران تماس گرفت و:

" در باره استرداد طلاها و سایر مطالبات ایران از شوروی با مفتاح مذاکره نمود." ^{۲۶}
با ورود سفیر جدید شوروی مذاکرات ایران و شوروی برای رفع همه اختلافات آغاز شد. ریاست
هیئت نمایندگی ایران را در این مذاکرات شادروان حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت مصدق به
عهده داشت. این مذاکرات با سرعت فراوان پیش رفت و در همان یکی دو جلسه اول به نتیجه
نهائی نزدیک شد. (به گراور صفحه بعد نگاه کنید.)

۲۵. باختر امروز، ۱۸ مرداد ۱۳۳۲ (تکیه از ماست).

۲۶. باختر امروز، ۱۸ تیر ماه ۱۳۳۲ (مفتاح معاون وزیر امر خارجه ایران است که به علت بیماری فاطمی پس از سوء قصد مدتی در سوئد
معالجه می کرد).



مذاکرات بازرگانی که از خرداد ماه ۱۳۳۱ میان هیئت نمایندگی شوروی به ریاست کوزنتسوف با وزیر اقتصاد ایران جریان داشت ، در همان جلسات اول به این نتیجه رسید که " تغییرات قابل توجهی در لیست مبادلات داده شود " و " کالاهای جدید در این لیست وارد گردد " و حجم مبادلات دو کشور " دو برابر شود " . اما این مقدار موفقیت کافی نبود .

افسانه طلاهای ایران..... ف. م. جوانشیر

" چون طرفین مایل به توسعه مناسبات اقتصادی با یکدیگر بودند به موجب دستوراتی که از مسکو

رسیده بود ، کوزنتسوف با وزیر اقتصاد ملی ملاقات نمود و تمایل خود را به توسعه روابط اقتصادی

اعلام و مذاکرات تازه ای نمود . " ۲۷

مذاکرات هیئت نمایندگی دو کشور در سطح بالا نیز فوراً به نتیجه رسید و اعلامیه مشترکی صادر

شد . ۲۸ (به گراور زیر نگاه کنید)

گسترش مناسبات ایران و شوروی و حل اختلافات میان دو دولت خشم شدید امپریالیسم امریکا را

برانگیخت . و با آنکه مصدق در نامه ای مورخ هفتم خرداد ۱۳۳۲ خطاب به ایزنهاور رئیس جمهور

۲۷ . باختر امروز، ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۲.

۲۸ . باختر امروز، ۱۹ مرداد ۱۳۳۲.

افسانه طلاهای ایران.....ف. م. جوانشیر
وقت امریکا ، هنوز در فکر جلب نظر امریکا بود ، ایزنهاور لازم دانست که در ۱۲ تیر ماه پاسخ بسیار
تند و کوتاهی به او بدهد. در پاسخ ایزنهاور از جمله گفته می شد :

« کاملاً توجه دارم که دولت ایران بایستی خود تشخیص دهد که کدام سیاست و روش خارجی و
داخلی برای ایران نافع ترین سیاست ها است . با بیان این مطلب سعی ندارم (!!) برای حکومت
ایران مصلحت اندیشی کنم و بگویم چه چیزی بیشتر به نفع حکومت ایران است . »^{۲۹}
دالس وزیر امور خارجه امریکا مدعی شد که :

« دولت ایران فعالیت های غیر قانونی حزب توده را تحمل می کند و این وضعیت باعث نگرانی
شدید امریکاست . »^{۳۰}

مصدق در این زمان از گسترش مناسبات ایران و شوروی به طور جدی حمایت می کرد و شخصاً
رهبری جریان را به دست داشت . او، به علامت نهایت صمیمیت پسر خود دکتر غلامحسین مصدق
را به عنوان نماینده ویژه خویش ، با دسته گل برای بدرقه سفیر سابق شوروی و استقبال سفیر جدید
شوروی به فرودگاه فرستاد .

در آن روزهای دشوار ، مناسبات خارجی ایران آئینه ای بود که خصلت سوسیالیسم و امپریالیسم در
آن ، منعکس می شد . در سفاتخانه امریکا و مراکز اصل چهارم ترومن ، مشغول تدارک کودتا علیه
دولت مصدق بودند و مستقیماً با دربار پهلوی ارتباط داشتند .

۲۹ . باختر امروز، ۲۰ تیر ماه ۱۳۳۲ (تکیه از ماست).

۳۰ . باختر امروز، ۷ مرداد ۱۳۳۲.

افسانه طلاهای ایران..... ف. م. جوانشیر
 سفارت شوروی در جهت تحکیم دولت مصدق و تحکیم دوستی ایران و شوروی می کوشید و
 مستقیماً با مصدق ارتباط داشت . عصر شوارتسکف امریکائی پنهانی به دیدن شاه می رفت و صبح
 سفیر شوروی به طور رسمی به دیدار مصدق . (گراور زیر نگاه کنید .)

باختر امروز

شماره ۱۲۴۴ - ۱۳۳۴ - ۲۴ ذیحجه ۱۳۷۲ - ۴ اوت ۱۹۵۳ - شماره ۱۱۶۲

ملاقات شوارتسکف با اعلیحضرت!

(منظور تواریخ غرضی بود) که همه کرده بودند پنهان نیاید چرا آمده و بیعت است از قلم بر سبزه خان غرضی، فد غیامانهای تهران ولوخته و چرا اعتراض نکنید ؟ بقیه در صفحه ۲

میرود و ادبوی تهران غیر عجیب و غریب است و داد که در افکار عمومی ایجاد شده مان نوده و هر کس میسرست چه نوشته بیگانگان دیده و چه از جان ملت ایران می خواهند !

غیر گزاردی فرانسه غیر میدور !

« ژنرال (شوارتسکف) امریکائی که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ در روسیه نظامی امریکا در ایران خدمت میکرد وارد تهران شد و امروز (دهم مرداد) بحضور محمدرضا شاه پهلوی بازیافت.

این موضوع باعث حیرت معاضل نظامی است که مقامات امریکائی به « شوارتسکف » دستور داده اند راه خود را کج کرده تا ایران بروند .

کوبا در زمستان سال ۱۳۲۰ بود که در مجلسی ۱۳ تن از نمایندگان از فردوسی (نخست وزیر وقت) سؤال کرد این نمایان تا خوانند

هوایمای دارفرانس که از

۹ نفر مسافر ایر
 چگونه در تاریکی نیما
 از ۲ نفر سر

سی و چهار نفر مسافر هوایمای دارفرانس که عازم ایتالیا - بیروت - تهران بودند ساعت ۸ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۳۳۴ اوتالیه و در دفتر مرکزی شرکت هوایمائی و دارفرانس است بوسیله اتوبوسهای مخصوص ترک کرده و پس از گذشتن از خیابانهای برجست و عربش و مقبول پاریس به فرودگاه نظامی (اوری) رسیدند . بقیه در صفحه ۲

امروز او این ملاقات سفیر کبیر شوروی با نخست وزیر صورت گرفت. روابط ایران و شوروی مورد بحث قرار گرفت



لا وواتیف سفیر کبیر شوروی ساعت ۱۱ صبح امروز او این ملاقات شریکائی نمود را با نخست وزیر حمل آورد

ملاقات ساعت ۱۱ صبح امروز اولین ملاقات شریکائی بین سفیر کبیر شوروی و نخست وزیر صورت گرفت

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
با وجود آن که هیئت های نمایندگی ایران و شوروی حداکثر حسن نیت را از خود نشان داده و
کوشیدند که اختلافات را به سرعت رفع کنند ، ولی متأسفانه فرصت کافی نبود . امپریالیست های
امریکائی و انگلیسی موفق شدند کودتای ۲۸ مرداد را به راه اندازند و پیوند دوستی و صمیمیتی را
که میان دولت ملی مصدق و اتحاد شوروی برقرار شده بود ، بگسلند .

تولد نوین افسانه طلاها پس از کودتا ۲۸ مرداد

کودتای ۲۸ مرداد ، نه فقط توطئه ای علیه مصدق و جنبش ملی مردم ایران بود بلکه توطئه ای بود
ضد صلح و سوسیالیسم و به ویژه علیه اتحاد شوروی . رژیم کودتائی به مثابه پایگاه آشکار ضد
کمونیستی برسر کار آمد و ضربه خود را در داخل کشور قبل از همه به « حزب توده ایران » و در
سیاست خارجی به مناسبات ایران و شوروی وارد آورد . مطبوعات درباری ، سفیر شوروی را « سفیر
جمهوری ساز » نامیدند .

مناسبات ایران و شوروی بلافاصله پس از کودتا عملاً تعطیل شد . سفیر شوروی از کشور بیرون
رفت . قراردادهائی که با دولت مصدق برای گسترش مناسبات ایران و شوروی و از جمله برای حل
مسائل مالی (و پایان افسانه طلاها) گذاشته شده بود ، بلااجرا ماند . رژیم کودتا در جاده ضد
کمونیستی و جنگ طلبانه گام های بزرگی به جلو برداشت ، سیاست بی طرفی ظاهری را هم کنار
گذاشت و به پیمان نظامی بغداد (سنتو) پیوست.

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر

چنین وضعی نمی توانست و نمی بایست مدت مدیدی ادامه یابد. اتحاد شوروی برای پیشبرد سیاست صلح، دوستی و همزیستی مسالمت آمیز و برای شکستن سد جنگ سرد، می بایست به رغم توطئه های امپریالیستی، برای عادی کردن مناسبات با همسایگانش بکوشد. این کوشش سرانجام به پیروزی نسبی و موقتی رسید. مناسبات دو کشور تا حدود عادی شد. سقیر تازه ای از شوروی به ایران آمد و قرار و مداری که برای حل اختلافات میان دو کشور در زمان مصدق گذاشته شده بود، و از جمله در مورد حل مسائل مالی، طبعاً و الزاماً به موقع اجرا گذاشته شد.

متأسفانه پیروزی همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات ایران و شوروی در این سال ها بسیار کم ثبات بود. رژیم کودتائی ایران مذاکرات با اتحاد شوروی را گسست و پیمان دو جانبه اسفند ۱۳۳۷ را با امریکا منعقد ساخت و مناسبات دو همسایه باز هم به شدت تیره شد و تا سال ۱۳۴۱ یعنی تا زمانی که دولت ابران تعهد سپرد که کشور را به پایگاه نظامی ضد شوروی بدل نکند، این تیرگی ادامه یافت. تنها در این سال و پس از پذیرش چنین تعهدی بود که مناسبات دو کشور عادی شد.

و از عجایب روزگار این است که درست در این زمان افسانه «طلاها» که ساخته و پرداخته تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی در دوران جنگ سرد بود، این بار از طرف محافلی، که خود را انقلابی ترین انقلابیون می نامیدند، تولد نوینی یافت. بقایای گروه خلیل ملکی و خرابکاران وارث بقائی و به ویژه، تازه به دوران رسیده های مائوئیست، که در حمایت از جنگ سرد، دشمنی با همزیستی مسالمت آمیز و به طور کلی در آنتی کمونیسم وجه مشترک داشتند، یکباره به یاد «طلاها» افتادند

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
و مسئله ای را که سال ها و سال ها پیش پایان یافته بود ، در لباس نوئی زنده کردند : « شوروی
طلاها را به مصدق نداد و به زاهدی داد !! »

این ادعا ، چنان که نشان دادیم ، دروغ بود . اولاً «طلاها» به آن صورت وجود نداشت . موضوع بر
سر مسائل مالی و هزینه های زمان جنگ بود . ثانیاً این مسئله مربوط به دولت مصدق نبود و
قاعدتاً می بایست در زمان قوام ، حکیم الملک ، ساعد ، هژیر ، منصور ، رزم آرا و علا حل می شد .
تقصیر امپریالیسم و ارتجاع بود که آن را تا زمان مصدق عقب انداخت و دستاویز جنگ سرد قرار
داد. ثالثاً درست در زمان مصدق بود که مسئله حل شد . رابعاً باز هم تقصیر امپریالیست ها و عمّال
آن ها بود که با کودتای ۲۸ مرداد نگذاشتند مناسبات ایران و شوروی بهبود یابد و قرار و مدارها به
موقع اجرا گذاشته شود .

اما محافل ضد کمونیستی ، از مائوئیست ها گرفته تا وارثین بقائی و همه الوان دیگر دشمنان
سیاست صلح و دوستی را ، کاری با حقیقت نیست . آن ها در سیاست بین المللی مدافع سیاست
جنگ سردِ دالس و دشمنی با همزیستی مسالمت آمیزند . منتهی برای کمک به دالس ها و به قصد
فریب قشری از جوانان ناآگاه ، سیاست امپریالیستی را زیر لباس «انقلابی» می پوشانند .

در دهه ۱۹۷۰ - ۱۹۶۰ (۱۳۵۰ - ۱۳۴۰) در میان بخشی از جوانان روشنفکر ایرانی ، به ویژه در
خارج از کشور ، به دلائلی که خارج از موضوع این نوشته است ، مائوئیسم و تشنج طلبی در
مناسبات بین المللی هوادارانی داشت و لذا « افسانه طلاها » نیز هواخواهانی پیدا کرد .

افسانه طلاهای ایران.....ف.م. جوانشیر
امروز جنبش ملی و دمکراتیک ایران این مرحله را پشت سر گذاشته ، نقاب «انقلابیون دوآتشه»
دریده شده و سیاست خارجی مائوئیستی ، به عنوان دستیار آشکار امپریالیسم و مدافع خشن جنگ ،
تجاوز و غارت ، بر همه معلوم شده است . با این حال متأسفانه رسوب دروغ هائی که این خائنین به
هم بافته اند ، هنوز در اذهان ساده گروھی از جوانان باقی است . . .